



Negative Aesthetics from the Perspective of Arnold Berleant

**Mohammad Hasan
Emami** 
Amir Nasri 

PhD Student of Philosophy, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran
Associate Professor of Philosophy, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

By focusing on sensory experience in Aesthetics, which is not always associated with positive feelings, Arnold Berleant analyzes the question of why and how Aesthetic values are negative, so that the scope of Aesthetics goes beyond "Beauty" and its application in the field of art. And because Aesthetics is an experimental thing for Berleant, in order to open up this domain, he does not categorize the Aesthetic moods (positive and negative) and deals with identifying the Aesthetic moods. Therefore, Berleant names sensory experiences that do not have a positive value as the "underside of beauty". By introducing the characteristics of negative criticism in the field of art, Berleant reveals the extent of negative Aesthetics and its various forms in relation to art criticism. One of these types is what is commonly called "Bad Taste". By explaining the relationship between ethics and negative Aesthetics, the possibility of social and moral evaluation of artistic objects and environmental pollution is presented to the audience, and by passing positive Aesthetics, a new topic under the title "negative Aesthetics beyond art" is provided for study.

Keywords: bad taste, negative aesthetics, negative criticism, aesthetic value, positive aesthetics, social function.

* Corresponding Author: mh.emami@yahoo.com

How to Cite: Emami, Mohammad Hasan & Nasri, Amir. (2023). Negative Aesthetics from the Perspective of Arnold Berleant, *Hekmat va Falsafeh*, 19 (75), 21-42.

DIO: 10.22054/wph.2023.70974.2125



زیباشناسی سلبی از منظر آرنولد برلینت

دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
دانشیار فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمدحسن امامی
امیر نصری

چکیده

آرنولد برلینت با تمرکز بر تجربه حسی در زیباشناسی که همواره با احساس مثبت همراه نیست، به تحلیل پرسش چرایی و چگونگی منفی بودن ارزش‌های زیباشناختی می‌پردازد تا گستره دامنه زیباشناسی از امر «زیبا» و کاربرد آن در حوزه هنری فراتر رود و چون زیباشناسی برای برلینت امری تجربی است، برای گشودگی این دامنه، حالات زیباشناسی (ایجابی و سلبی) را مقوله‌بندی نمی‌نماید و به شناسایی حالات زیباشناسی می‌پردازد؛ بنابراین برلینت تجربیات حسی را که دارای ارزش مثبت نیستند با عنوان «تحت زیبایی» نام‌گذاری می‌کند. برلینت با معرفی مشخصه‌های نقد منفی در حوزه هنر، گستردگی زیباشناسی سلبی و اشکال گوناگون آن را در نسبت با نقد هنری آشکار می‌نماید. یکی از این گونه‌ها همان چیزی است که معمولاً «ذوق بد» نامیده می‌شود. با تبیین نسبت بین اخلاق و زیباشناسی سلبی، امکان ارزیابی اجتماعی و اخلاقی از ابژه‌های هنری و آلودگی‌های زیست‌محیطی پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد و با عبور از زیباشناسی ایجابی موضوعی نوین تحت عنوان «زیباشناسی سلبی فراتر از هنر» و تعمق در باب بحران محیط‌زیست برای مطالعه فراهم می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: ذوق بد، زیباشناسی سلبی، نقد منفی، زیباشناسی ایجابی، آلودگی زیست‌محیطی.

مقدمه

دیدگاه سنتی تحسین زیباشناسی عبارت از یک نگرش ویژه مبتنی بر خودمختاری زیباشناسی است که این نگرش شامل «بی‌علقگی» و توجه توأم با «تأمل» به ابژه به جهت خودابژه است. البته «بی‌علقگی» کلمه رمز آن دوران است زیرا میراث کانت آن را مرکز اصلی «تحسین» قلمداد کرد و در دو قرن گذشته جریان علم زیباشناسی را شکل داد. همانطور که کانت اظهار می‌دارد، دقیقاً با کنار گذاشتن علقه «از حس یا عقل»، ما قادر به دریافت رضایت یا لذت زیباشناسی از ابژه هنری و طبیعی هستیم. برای دستیابی به بی‌علقگی، محدود کردن ابژه هنری با مرزهای شفاف از اهمیت جدی برخوردار است. هنر کلاسیک برای تحقق این هدف، ویژگی‌های بسیاری را به نمایش می‌گذارد. برای نمونه: قاب نقاشی، پایه مجسمه، قوس مقابل صحنه تئاتر. تا حدودی این ویژگی‌ها عمده‌ی هم بوده‌اند.

آرنولد برلینت فیلسوف قرن ۲۱ در مواجهه با تحسین زیباشناسی سنتی و چالش‌های آن در باب امر زیبا (ابژه هنری و طبیعی)، ضرورت ارائه یک الگوی زیباشناسی نوین برای عبور از تحسین زیباشناسی سنتی را بیان می‌کند. برلینت به ما نشان می‌دهد چگونه محدود ساختن دامنه زیباشناسی، قاعده زیباشناسی متمایزی را به رسمیت می‌شناسد که عواقب ناخوشایندی به همراه دارد و چگونه به واسطه تنها مرجع بی‌علقگی، بسیاری از اهداف، منافع و علاقه‌مندی‌ها به کناری نهاده می‌شوند. در واقع زیباشناسی سنتی هنگامی که مجبور به دفاع از تمامیت زیبایی در برابر هجوم سودمندی است از اقدام قاعده‌مند زیباشناسی بهره می‌برد، یعنی: جدا کردن جنبه‌های مختلف ابژه به منظور جلوگیری از خالی شدن هنر از هرگونه ارتباط با فعالیت‌های عملی.

برلینت با معرفی زیباشناسی مشارکتی، زیباشناسی را به درون زندگی روزمره هدایت می‌نماید. برلینت با تهیه *روایتی نظری* در مجموعه‌ای از مقالات و کتب از اواسط دهه ۱۹۶۰ پیشرفت‌های چالش‌برانگیز هنرهای معاصر را در خود جای داد تا بتواند آنان را همساز کند. مفهوم اصلی مطرح شده در این تحقیق ایده «مشارکت» بود که بعدها با عنوان «مشارکت زیباشناسی» مطرح شد. مشارکت زیباشناسی به مفهوم اصلی در زیباشناسی بدل شد و به عنوان جایگزینی برای بی‌علقگی زیباشناسی که محور تئوری زیباشناسی سنتی بود، ظاهر گردید.

در نتیجه برلینت زیباشناسی را پرش‌های متمایزی روبرو کرد. چراکه زیباشناسی برای آرنولد برلینت بر مبنای ادراک حسی فهم می‌شود. چگونه می‌توان مواجهه حسی با ابژه هنری و طبیعی که منجر به احساس منفی در ناظر می‌گردد را در چارچوب زیباشناسی برلینت توصیف کرد؟ حتی برلینت با دور شدن از هنر، الگوی زیباشناسی برای تحلیل محیط‌زیست انسانی ارائه می‌کند که بر ویژگی‌های زیباشناسی محیط‌زیست متمرکز است و در شرایط معاصر فرهنگی، فناوری، زیست‌محیطی اجتماعی، منعکس‌کننده فضای مصرف‌گرایی، شهرهای بزرگ و آلوده و مناطق محروم است که گاهی احساسی نامطلوب به ناظر خود منتقل می‌نماید (Berleant, 1999:3).

زیباشناسی مشارکتی برلینت، احساس منفی متأثر از مواجهه ناظر با ابژه هنری و طبیعی را در نسبت ارزش‌های زیباشناختی و اخلاقی نیز بررسی می‌نماید تا روشی برای چگونگی انتقاد زیباشناسانه از اهداف اجتماعی و سیاسی به جهت آلودگی بصری و صوتی در زندگی اجتماعی، بی‌عدالتی در کسب‌وکار و در محیط تبلیغات و رسانه و ... ارائه کند. در چنین نظام فکری، کشف ارزش‌های منفی زیباشناختی می‌تواند انگیزه‌ای برای رد عملکردهایی باشد که اعتراضات جدی اخلاقی بر آنان وارد است (Berleant, 2011:5).

بنابراین برای برلینت هنگامی که زیباشناسی با هنر همراه است، واژه «زیباشناسی» اغلب به هنری^۱ دلالت دارد که با عناوین خوب یا عالی ارزش‌گذاری می‌شوند که چستی این ارزش و چگونگی ارزیابی آن، مسائل اصلی نظریه زیباشناسی هستند. اما با وجود کاربرد متداول واژه «زیباشناسی»، صرفاً با «زیبایی» مترادف نیست و کاربرد آن نیز بسیار گسترده‌تر از حوزه هنری است. ریشه کلمه «زیباشناسی» بر معنای اصلی آن که همانا ادراک حسی^۲ است تأکید دارد و در این پژوهش نیز با همین معنا به کار گرفته می‌شود. با این حال، تجربه حسی و از این رو تجربه زیباشناختی، همواره توأم با احساس مثبت^۳ (فراخ انگیز و لذت‌بخش)

۱ هر چند امروزه زیباشناسی با فلسفه هنر مترادف می‌شود. اما، در این بخش منظور برلینت از هنر، هنر محیطی است که در مشارکت با مخاطبین ارزش‌گذاری می‌شود.

۲ Sensation

۳ Positive

نیست و آن هنگام که توهین آمیز، ناراحت کننده، عواقب زیان آور یا مخربی در پی داشته باشد، زیباشناسی ما را به حوزه "زیباشناسی سلبی"^۱ سوق می‌دهد (Ibid).

برلینت شرایطی را معرفی می‌نماید که ضمن دارا بودن ارزش زیباشناختی، با نارضایتی، درد، آزار یا حتی تخریب همراه هستند. و همچنین بر محیط‌زیست انسانی و چگونگی سازگاری زیباشناسی با امر اخلاقی تمرکز دارد. در ضمن تجربه حسی که ارزش مثبت/ایجابی مشخصی ندارد، با عنوان تحت زیبایی^۲ می‌نامد و آن را زیباشناسی سلبی می‌خواند. البته می‌شد آن را "زیباشناسی سلبی فراتر از هنر"^۳ در پیروی از ابژه منفی/سلبی^۴ که در اثر هنری بروز یافته است، نام گذاری کرد (Ibid). در ادامه، مواردی با ارزش زیباشناختی دنبال می‌گردد که بسیاری از مردم درک آگاهانه از آنان در جریان زندگی روزمره‌شان ندارند. اما با وجود این کشف ساحلی که برلینت در امتداد جریان منفی گرای/سلبیت به ما نشان می‌دهد، بسیار آموزنده به نظر می‌رسد.

هرچند سخن گفتن در باب نکات منفی ارزش‌هایی محبوب، همچون آثار هنری و زیبایی عجیب به نظر می‌رسد، اما تجربه این ارزش‌های منفی از مستقیم‌ترین و قدرتمندترین موارد زندگی شخصی هستند. هم‌زمان که ارزش‌های زیباشناختی به‌طور فزاینده‌ای در جوامع معاصر برجسته و بحث‌برانگیز می‌شوند، غالباً با ارزش‌های اخلاقی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و به‌ویژه محیط‌زیستی در تعارض قرار می‌گیرند. موضوعات بحث‌برانگیز در این عرصه‌ها بر برجسته‌سازی زیباشناسی تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. ارزش‌های زیباشناختی صرفاً به قلمرویی که در آن افتخار آفریده می‌شوند تعلق ندارند بلکه در گستره بزرگتری مورد توجه هستند.

۱ Negative Aesthetics

بنظر بکاربردن "زیباشناسی منفی" گویاتر از "زیباشناسی سلبی" است. چراکه تلاش محققین زیباشناختی معاصر بر امتداد زیباشناسی در زندگی روزمره است و از زیباشناسی فلسفی فاصله می‌گیرند. در نتیجه کاربرد مفاهیم روزمره نیز با معناتر خواهد بود. اما زیباشناسی سلبی متداول است. در این مقاله براساس موقعیت مفاهیم هر دو بکار گرفته شده است.

۲ Unerside of Beauty

بدین معنا که تجربه حسی در چارچوب زیباشناسی است اما ابژه آن زیبا نیست.

۳ Negative Aesthetics beyond Art

۴ منظور آثار هنری در فرم و محتوایی است که جامعه آنان را غیر اخلاقی و غیر اجتماعی و در مجموع منفی می‌داند.

از آنجا که تغییرات اقلیمی منجر به برهم خوردن اکوسیستم شده و تحمیل پسماند و پساب بر طبیعت، ابژه طبیعی به مثابه امر زیبا را تحت تأثیر قرار داده است، ارائه فهمی نوین از زیباشناسی سلبی ضرورت یافته است. البته مواجهه‌ای متمایز با طبیعت آلوده به منزله مسئله‌ای اجتماعی و انسانی از طریق فناوری و علم نیز پیش روی ما قرار خواهد داد. بدین منظور تحلیل آثار متأخر برلینت که زیباشناسی را به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی از طریق زیباشناسی سلبی مرتبط می‌نماید، بیش از پیش مورد توجه است.

ارزش زیباشناختی

دامنه ارزش زیباشناختی گسترده و پیچیده است. هنگامی که زیباشناسی به طور معمول، با هنر یا طبیعت همراه است، به عنوان شناسایی آنچه دلالت ویژه‌ای به آثار هنری یا پدیده‌های طبیعی دارد، تلقی می‌شود. بنابراین "زیباشناسی" معنای مثبت/ایجابی^۱ به خود می‌گیرد و برای اکثر مردم معادل "زیبا" یا "ذوق خوب"^۲ است. از نظر دانشمندان و افراد مختلف، "زیباشناسی"، هنر یا طبیعتی را نشان می‌دهد که زیبا یا والا است. این مفهوم برگرفته از کاربرد عام "زیباشناسی" است، به طوری که ابژه‌ای را خوشایند می‌یابیم، آن را ستایش کرده و آن را "زیبا" می‌نامیم.

از منظر برلینت دامنه زیباشناسی فراتر از تمرکز تاریخی آن بر زیبایی هنری و طبیعی است. زیباشناسی به عنوان شاخه‌ای از فلسفه، با گذر زمان، پیچیدگی بیشتری یافته است. "زیباشناسی" در واقع اصطلاحی نظری است، زیرا برای فهم گسترده‌تری، دلالت و تعیین معنای آن، نیازمند شناسایی و دستیابی به دیدگاهی جامع از نوع متمایز از معنای ارزش هستیم که آن را "زیباشناسی" می‌نامیم^۳. اینکه این ارزش چیست، در کجا باید یافت شود، چگونه عمل می‌کند و چگونه ارزیابی می‌شود، پرسش‌هایی هستند که هر نظریه زیباشناسی باید با آن کنار بیاید (Berleant, 2003:8).

۱ Positive

منظور احساس فرح‌بخشی و لذت و مثبت.

۲ Good taste

۳ یادآوری می‌شود برای برلینت، زیباشناسی مشارکتی است و ارزش آن اجتماعی و در مواجهه با مسائل جامعه بیان می‌شود. در ادامه بیشتر با این امر آشنا خواهیم شد.

زیباشناسی به ارزش ستودنی که معمولاً به زیبایی هنری و طبیعی نسبت می‌دهیم، توجه داشته است! اتکا به ادراک حسی دیدن و شنیدن نسبت به دیگر حواس در تجربه این چینی، به‌طور فزاینده‌ای ارزشی اساسی دارد. حکم انتقادی به چنین تجربه‌هایی به میزان موفقیت اجرا، به میزانی که رمان یا نقاشی ما را با خود می‌کشاند، به میزانی که ابژه هنری ما را جادو می‌کند، به میزان منظره‌ای که بر اساس زیبایی‌اش نفس را در سینه حبس می‌کند، بستگی دارد (Ibid). همه این احکام مفروض می‌دارند که تفاوت‌هایی در تحسین زیباشناسی و ازاین‌رو ارزش زیباشناختی وجود دارد، تمایزاتی از شکست مطلق تا جذب جادویی شاهکار هنری.

توجه به این نکته مهم است که تصدیق‌های گوناگون در ارزش زیباشناختی، ما را مجبور به تأیید این نکته نمی‌کند که می‌توان این ارزش‌گذاری را در جبه‌بندی یا حتی با مقیاسی اندازه‌گیری کرد و به آن "بزرگ‌تر" یا "پایین‌تر"، "بهتر" یا "بدتر" اطلاق نمود. بدین منظور لزوماً معنای کمی سازی نمی‌دهد، البته نیازی هم به چنین الزامی نیست (Berleant, 2016:12).

پس شناسایی محدوده ارزش زیباشناختی بین دو سوی طیف ایجابی و سلبی از دامنه ارزیابی مهم خواهد بود. وضعیت مفروض قابل‌مقایسه دو سوی طیف، زیبایی و زشتی است: زیبایی را می‌توان در بسیاری از فرم‌های زشتی تشخیص داد، زیرا این دو متضاد هم نیستند بلکه نقاط برجسته طیفی پیچیده از ارزش‌های زیبایی هستند که شامل مواردی از این دست می‌باشند: عجیب و غریب، سکس، نفرت‌انگیزی، آلودگی در طبیعت، دلپذیری، زیبایی و والایی. توجه داشته باشیم که ارزش‌های زیباشناختی منفرد یا همگن نیستند. به‌عنوان مثال، یک وضعیت نمایشی ممکن است در عین حال عجیب، مضحک و رقت‌انگیز باشد. علاوه بر این، برای در نظر گرفتن ارزش زیباشناختی، متعهد نیستیم که به دنبال کیفیت یا ویژگی ذاتی در ابژه باشیم، به‌مثابه اینکه زیبایی صرفاً ویژگی ذاتی است. ممکن است ترجیح دهیم، آن را نیرویی در هنر بدانیم که به بدن وارد می‌شود و با ادراک حسی^۲ بروز می‌یابد (Ibid).

برلنت تحلیل زیباشناسی سلبی را با پرسشی آغاز می‌نماید. "چه چیزی باعث می‌شود تا ابژه‌ای و یا رویدادی از نظر زیباشناسی سلبی باشد؟" (Berleant, 2011:5) همین پرسش

۱ همانگونه که برای کانت بوده است.

برلینت را با پیچیدگی زیادی مواجهه می‌نماید. در ابتدا می‌توان بیان داشت که منفی‌نگامی رخ می‌دهد که وضعیتی زیباشناختی عمدتاً بیش از مثبت بودن، منفی باشد. به‌عنوان مثال با بی‌نظمی، سطحی، توهین‌آمیز یا حتی مضر بودن همراه باشد. در این حالت، برای ارزش، مشخصه‌ای فراگیرتر از تجربه تعیین می‌شود. این که این مشخصه چیست و چگونه ارزیابی می‌شود، واضح نیست، اما پرسشی اصلی در زیباشناسی است. علاوه بر این، از آنجا که زیباشناسی مفهومی نظری است، معنای آن حداقل این است که انواع خاصی از واکنش‌ها را مجاز می‌داند و موارد دیگر را استثنا می‌کند. هرچقدر که درک ما توسعه می‌یابد، این جهت‌گیری واضح‌تر و به‌طور مفهومی بهتر بیان می‌شود.

در نتیجه استدلال بحث برلینت ساختاری این گونه می‌یابد:

ارزش زیباشناختی امری تجربی است و ریشه‌واژه "زیباشناسی" بر ادراک حسی تأکید دارد و شامل ادراک حسی است که کلی است اما منحصرراً روان‌شناختی نیست و ارگانیزم انسانی را درگیر ماهیت فرهنگی می‌کند که به‌اندازه ویژگی بیولوژیکی انسان با ارگانیزم، جدایی‌ناپذیر است. بنابراین نقطه عزیمت زیباشناسی، تجربه حسی به‌عنوان ظرفیتی انسانی است که مانند سایر کیفیات انسانی با شرایط مشترک تاریخی، فرهنگی و مادی ایجاد می‌گردد.

در این صورت مبنایی برای قضاوت داریم که خود سرانه، شخصی یا "ذهنی" نیست. از آنجا که تجربیات حسی به اشتراک گذاشته می‌شوند، همیشه به یک اندازه پاداش‌دهنده نیستند و در واقع همیشه مثبت نیستند، ما با بنیان‌های تجربی برای شناخت و ارزیابی طیف وسیعی از ارزش زیباشناختی مواجه هستیم.

بنابراین بحث انتقادی در چنین نظام فکری بر پرسش در باب شایستگی خود زیباشناسی از یک سو و اختلاف نظر درباره ارزش زیباشناختی - احساس مثبت یا منفی در ناظر در مواجهه با اثره یا رویداد هنری یا طبیعی - از سوی دیگر متمرکز است که اساس بسیاری از پاسخ‌های نظری و همچنین انتقاد به چنین پرسش‌هایی است (Berleant, 2005:6).

از نظر منطقی، این گونه پرسش و پاسخ‌ها پس از توسعه دیدگاه نظری و شناسایی داده‌های مربوطه قابل طرح هستند. زیرا چگونه می‌توان قضاوت معقولی درباره چنین

۱ Holistic

۲ Cultural Modality

ارزشی، بدون اینکه در ابتدا معنای "زیباشناسی" دریافت شده باشد و به ارزش مرتبط با آن رسیده باشیم، انجام داد؟

زیباشناسی و سلبيت

در قضاوت انتقادی باید تشخیص داد که صدور احکام زیباشناختی مبتنی بر تجربیات مشترک ارگانیک، فرهنگی و تحت شرایط مشترک مادی و جغرافیایی است و هنگامی که قضاوت چنان شدید می‌شود که ناراحت‌کننده، دردناک یا اثرات مضر یا مخرب دارد، درک زیباشناسی ما را ملزم به تصدیق سلبيت می‌کند.

برای برلنت شناسایی برخی از حالاتی که در آنان زیباشناسی سلبي رخ می‌دهد روشنگرتر از مقوله‌بندی حالات گوناگون زیباشناسی سلبي است (Berleant, 2011:4). چراکه تشخیص واضح زیباشناسی سلبي از زیباشناسی ایجابی و همچنین ملاحظات اخلاقی که در پی دارد، به سادگی قابل تمیز نیست. پیچیدگی زیباشناسی در دستور کردن حضور سلبي، نقشی جدی دارد. برلنت می‌گوید، هنگامی که تجربه زیباشناسی سلبي رخ می‌دهد و این ارزش غالباً ناشناخته گشوده می‌گردد و زمانی که چنین مطالعه‌ای به خاطر خودش، نه صرفاً تقارن منطقی با زیباشناسی ایجابی صورت می‌پذیرد، حوزه زیباشناسی سلبي به ما معرفی می‌شود (Berleant, 2011:9).

در چارچوب این نوع از هندسه فکری، دیدگاه برلنت از زیباشناسی سلبي و تمایز آن با نقدمنفی^۱ قابل فهم کرد. نقدمنفی ارزیابی محسوب می‌گردد که در حیطه نقدهنری و زیباشناسی است. این نوع از نقد تشخیص می‌دهد که هرچند ارزش زیباشناختی موجود است اما به‌طور ناقص تحقق یافته است: اثر هنری می‌توانست بهتر از شرایط فعلی‌اش باشد، مثلاً با طراحی موفق‌تر، منظره‌ای با جذابیت بیشتر یا سازگاری بیشتر و یا موسیقی که می‌توانست بیش از این ما را درگیر خود کند.

نقدمنفی ممکن است به‌سوی زیباشناسی فرم‌هایی سوق داده شود که معمولاً هنر محسوب نمی‌شوند: محیط‌های شهری، فعالیت‌های فرهنگی مانند مراسم و آیین‌ها و عملکردی با سازمان‌دهی مشخص. نقد ابژه هنری، ابژه غیرهنری مانند محیط‌زیست و حتی

^۱ Negative Criticism

اقدامات فرهنگی "منفی" را تأیید نمی‌کند. نقدمنفی لزوماً همه ارزش‌های مثبت را منتفی نمی‌داند، بلکه بر این نظر است که ارزش در اینجا به نوعی محقق نشده یا غیرواقعی است (Berleant, 2011:6).

این شرایطی معمول در نقدمنفی است و منتقد اصرار به بهبود آن دارد. اما شرایطی وجود دارد که هیچ ارزش مثبتی در آن یافت نمی‌شود یا شایستگی^۱ کاملاً تحت تأثیر عوامل منفی است. از آنجا که ادراک زیباشناسی مستقیم و بی‌واسطه است، همیشه با اثری با کیفیت بالا مواجه نیست، گاهی با اثری معمولی و حتی سطحی روبرو است، زیباشناسی سلبی بدون توجه به این تمایزات به بی‌نظمی مبهمی تبدیل می‌شود. بخشی از این ممکن است ناشی از نفوذ منفی‌نگری و همچنین عدم تصدیق این امر باشد که زیباشناسی سلبی واقعاً جدا از ارزش زیباشناختی ایجابی اتفاق می‌افتد.

بنابراین زیباشناسی سلبی دامنه بسیار گسترده‌تری از نقدهنری را در برمی‌گیرد. چراکه نقدهنری بر ارزش زیباشناختی موجود در هنری متکی است که به‌طور ناقص تحقق یافته است. اما زیباشناسی سلبی اشکال گوناگونی دارد. یکی از گونه‌ها همان چیزی است که معمولاً ذوق بد نامیده می‌شود. به بیانی دیگر زیباشناسی سلبی به معنای انحطاط در زیباشناسی ایجابی نیست که برخی از آهنگ‌های پاپ و سریال‌های تلویزیونی دچار آن شده‌اند. زیباشناسی سلبی، پلشتی‌ها و زشتی‌های اجتماعی و زیست‌محیطی و ... را به ارزش زیباشناختی بدل نموده و پیش‌روی مخاطبش قرار می‌دهد.

در ضمن باید هنر سطحی^۲ و هنری که هیچ ارزش زیباشناختی ندارد از زیباشناسی سلبی تمیز داد. برای مثال، در نقد موضوعات اجتماعی و سیاسی برای محکوم کردن اقداماتی غیرقابل قبول و فراتر از قانون شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی از زبان زیباشناسی استفاده می‌شود که عموماً آثار هنری سطحی و یا فاقد ارزش زیباشناختی هستند. در حالی که زیباشناسی سلبی دارای ارزش زیباشناختی است.

این تأکید برای برلینت جدی است:

۱ Merit

۲ Defective art

اگرچه تعین و تمایز برای شناسایی فرم‌های گوناگون زیباشناسی سلبی می‌تواند مفید باشد، اما مقوله‌بندی و بیان حالات منفی در چارچوب مفاهیم اشتباهی بزرگ است.

چراکه برلینت تأکید دارد سنگ محک برای تشخیص زیباشناسی سلبی تجربه است نه مقوله‌بندی فرم‌های گوناگون زیباشناسی سلبی.

برلینت در مقاله "زیباشناسی سلبی، تروریسم و امر والا" در سال ۲۰۱۱، بر این نظر است که حساسیت نسبت به اکثر موارد زیباشناسی سلبی - به دلیل شیوع بسیار زیاد آنان در محیط - کم و یا از بین رفته است و قضاوت در مورد هنری که به نظر مردم بسیار اهانت‌آور است، دشوار است. بنابراین تفکیک احساسات شخصی از احساساتی که تقریباً همه جامعه آن را تجربه می‌کنند مهم است و حتی بی‌زاری مشترک نیز به‌خودی‌خود یک اثر هنری را بی‌اعتبار نمی‌کند.

برخی از هنرمندان به‌عمد علیه محدوده اخلاقی فشار می‌آورند^۱. در واقع تلاش دارند با گسترش طیف و سبکی از هنرهای وابسته به سکس، هنرهای پورنوگرافی^۲ آنان را به مزیتی اجتماعی بدل نمایند. این سبک از هنر اگرچه برای برخی به‌شدت نگران‌کننده است، اما ممکن است با عادت دادن افراد به تجربه‌هایی که غیرقابل بیان هستند و یا بیان آنان کراهت دارد، عملکردی اجتماعی در پی داشته باشد. فارغ از هر گونه ارزش زیباشناختی که این سبک هنر از آن برخوردار است، ممکن است در گستره ظرفیت‌های فکری، جسمی و احساسی ما ارزشی داشته باشد. حتی برخلاف آنانی که این سبک از هنر را آزاردهنده می‌دانند، ممکن است ظرفیت تجربه مخاطب را گسترش داده و آگاهی و درک او را افزایش دهد. هنری که به‌شدت برای احساسات اخلاقی یا مذهبی نگران‌کننده است،

۱ برخی از نشریات در فضای واقعی و مجازی بر محدودیت‌های اخلاقی در بیان و نمایش آثارشان به عنوان آزادی بیان و ضرورت تحمل دیگری فشار می‌آورند. همانند ترسیم آثار در باب ارزش‌های دینی و یا خطوط قرمز ارزش‌های جنسی.

۲ Erotic art, pornographic art

می‌تواند از نظر هنری قوی باشد، همان‌طور که در آثار گوستاو کوربت^۱ و سالوادور دالی^۲ یا شعرای دوران معاصر از عارف قزوینی تا خاکسار به اثبات رسیده است. پس بحث برای برلینت در باب آثار هنری است که به نظر هیچ ارزش‌زیبا شناختی مثبتی ندارند و فراتر از توهین‌آمیز بودن هستند. از هنری که در مرز مازوخیزم و سادیسم^۳، مانند هنر بدن- از خال‌کوبی و سوراخ کردن بدن تا تغییر شکل در آن- قرار می‌گیرد. این سطح از دامنه زیباشناسی سلبی، این احتمال را تقویت می‌کند که هیچ راهنمای کلی ارائه‌نگردد و ضرورتاً منفی بودن هر نمونه و نوع تجربه زیبا شناختی، از طریق ویژگی‌های خاصش و با شناسایی و ارزیابی ملاحظات زیبا شناختی، فرهنگی، اخلاقی و مواردی دیگر از این دست، بررسی و تحلیل شود.

شاید هم نتوان شایع‌ترین فرم‌های زیباشناسی سلبی را مستقیماً با ابژه هنری مرتبط دانست. این شیوه‌ها ممکن است هیچ ویژگی قابل تشخیص نداشته باشند و صرفاً از طریق جهل، عدم حساسیت، بی‌عاطفگی یا سادیسم انجام شده باشند. در این زمینه می‌توان مواردی را بر شمرده که مستقیماً قابل شناسایی نیستند اما فراگیر و آسیب‌رسانند، مانند انواع مختلف آلودگی‌های محیط‌زیستی. این آلودگی‌ها نه تنها به دلایل اخلاقی و اثرات سوء آن بر سلامتی و رفاه محکوم هستند، بلکه حاوی توهین ادراکی نیز هستند چراکه باعث آسیب بر ادراک زیباشناسی می‌گردد.

در باب پیامد آلودگی‌های زیست‌محیطی به‌طور گسترده در سال‌های اخیر بحث شده است، اما آلودگی مکانی^۴ ممکن است نیاز به توضیح داشته باشد، زیرا مکان به‌طور معمول به منزله چیزی قابل آلودگی در نظر گرفته نمی‌شود. منظور از آلودگی مکانی مواردی از این دست است: ازدحام بیش‌ازحد و سایل نقلیه، کلاس‌ها، سالن‌های شنا، ساخت و ساز متراکم و ...

^۱ Gustave Courbet (1819 – 1877)

نقاش فرانسوی که جنبش رئالیسم را در قرن نوزدهم فرانسه رهبری می‌کرد.

^۲ Salvador Dalí (1904-1989)

هنرمند سوررئالیست اسپانیایی که به دلیل مهارت فنی، طراحی دقیق و تصاویر چشمگیر و عجیب در آثارش مشهور بود.

^۳ Masochism and sadism

^۴ Spatial pollution

بنابراین بررسی زیباشناسی سلبی پژوهشی ساده نیست. چراکه برخی از موارد زیباشناسی، هنری نیستند: مانند نقاشی کودکان، غیر حرفه‌ای‌ها یا نواختن ساز موسیقی توسط فردی مبتدی، و یا مواردی که برای ارزش زیباشناختی تلاش می‌کند اما به شدت شکست خورده‌اند، مانند محوطه‌سازی در حاشیه‌های شهر یا تزئینات با چمن پلاستیکی. با این توضیحات برلینت نه تنها با رویکرد زیباشناسی سلبی در پژوهش خود، بلکه گاهی با اخلاق منفی نیز مواجه است. بنابراین، با نفی ارزش‌های زیباشناختی به وضوح از قلمرو هنر فراتر رفته و با شرایطی کلی روبه‌رو است که در واقع همان چیزی که آن را وضعیت آسیب‌شناسی اجتماعی^۱ می‌نامد (Ibid).

زیباشناسی و عملکرد اجتماعی

اکنون برلینت با شناسایی موقعیت‌هایی که در آن بُعد اخلاقی که غالباً منفی (البته گاهی اوقات هم مثبت) تلقی می‌گردند و نمی‌توانند از زیباشناسی جدا شوند، با اعمال پوشش اخلاقی بر زیباشناسی مواجه می‌شود. برای نمونه، عنصر اخلاقی در فعالیت‌های کسب و کار و بخصوص در تبلیغات کالا. چراکه تبلیغات می‌تواند عامل تحریک نیازهای غیرواقعی در مشتریان گردد. در واقع، فضای کسب و کار متشکل از هم‌زیستی زیباشناسی و اخلاق است. در فراگیری پخش موسیقی در فضاهای عمومی، نفوذ هم‌زیستی زیبایی-اخلاق کاملاً آشکار است، اولی در تلاش برای اغوا مخاطب به واسطه تکنیک‌های ادراکی^۲ و دومی از طریق دستکاری روان‌شناختی برای تقویت آسیب‌پذیری (Ibid).

مشارکت در زندگی جوامع امروزی بدون مواجهه با نشانه‌ها و علامت‌های تبلیغاتی دشوار است. آنچه متولین این امر را از نظر اخلاقی مقصر قلمداد می‌کند، این واقعیت است که این اقدامات عمدی انجام می‌شوند و انگیزه آن‌ها این است که برای اهداف خود (تأثیرگذاری و سودآوری) به رهگذران ضربه بزنند. در بعضی مواقع این نشانه‌ها و علائم، از نظر زیباشناسی ایجابی و از نظر اخلاقی منفی هستند و یا هر دو باهم.

۱ Pathological social condition

۲ Perceptual techniques

آنچه تاکنون برلینت کشف کرده است نیاز به شناخت واقعیت‌های زیباشناسی سلبی و همچنین تصدیق موقعیت‌های منفی است که در آن‌ها حضور اخلاق، جدایی‌ناپذیر است. از دیدگاه سنتی، به نظر می‌رسد زیباشناسی سلبی یک اکسیمورون است.

با این توضیحات همچنان این پرسش پابرجاست که چگونه ارزش‌های زیبایی و هنری می‌توانند منفی باشند؟ در اینجا با مقوله‌ای متفاوت مواجهیم: زیباشناسی سلبی با نفوذ هنری و زیباشناسی سلبی با حجم آلودگی‌های زیست‌محیطی در سراسر جهان بشری. غالباً از یک سو، این هنر سازی است که منفی بودن را حمل می‌کند و از سوی دیگر آلودگی‌های زیست‌محیطی است که چشم‌اندازهای منفی/زشت را حمل می‌نماید. با این مقوله‌بندی و با همگرایی ارزش‌های اخلاقی و زیباشناختی، آیا این سؤال قابل طرح است، برخی اوقات ممکن است زمینه‌های اخلاقی مبنای مناسبی برای قضاوت درباره هنر باشند. "چرا؟" و چگونه؟ (Ibid). هر چند بنیان‌های این اخلاق همچنان محل تأمل باقی می‌مانند.

به‌طور فزاینده‌ای مشخص است ملاحظات اخلاقی در موقعیت زیبایی نفوذ می‌کنند و جدا کردن آن‌ها دشوار است. مواردی که هر دو ارزش: زیباشناسی و اخلاقی، به هم پیوسته‌اند، با وضعیت‌هایی گوناگونی مواجه می‌شویم که در نظر گرفتن ترکیبات احتمالی آن‌ها مفید خواهد بود. این موارد شامل: موقعیت‌هایی که ارزش زیباشناختی و اخلاقی هر دو مثبت هستند، موقعیت‌هایی که هر دو منفی هستند و موقعیت‌هایی که یکی منفی و دیگری مثبت است. و البته ممکن است مثبت و منفی یکپارچه نباشد و با شدت‌های مختلفی رخ دهند.

برلینت استدلال می‌کند ضرورت گسترده‌ی ارزش‌های زیباشناختی از ارزش‌های اخلاقی در حوزه زیباشناسی از اواخر قرن نوزدهم تاکنون آشنا بوده‌است. اما در دوران ملکه ویکتوریا (۱۸۳۷-۱۹۰۱) دوران شکوفایی صنعتی) ملاحظات اخلاقی بر ملاحظات زیباشناختی ارجح بود. البته مواردی هم قابل شناسایی است هر دو ارزش زیباشناختی و اخلاقی منفی باشند. و غالباً مواردی هم قابل ملاحظه است که بعد اخلاقی و زیباشناسی قابل تمیز نیستند. گاهی می‌توان ادعا کرد که اخلاق اجتماعی اساساً خود منفی است.

برلینت با توجه به نفوذ هنرهای زیبا و کاربردی در جوامع صنعتی مدرن، انکار تأثیر عمیق هنر در محیط زندگی روزمره - در طراحی صنعتی و محیطی و به‌ویژه در رفتار و آگاهی - را

۱ Oxymoron

منظور فرم‌ها و نمادهایی که ظاهراً بطور متناقض کنار هم قرار می‌گیرند.

با "نابینایی عمدی" تعبیر می‌کند (Berleant, 2005:5). در واقع، فرهنگ عامه به موضوع آکادمیک مد روز تبدیل شده است و تقریباً همیشه روش‌هایی را معرفی می‌کند که در آن، منافع هنر و زیباشناسی در زندگی اجتماعی مدرن فراگرفته شده است. البته برلینت تأکید دارد که عامل اخلاقی هرگز قابل سرکوب نیست.

با برداشتی که برلینت از زیباشناسی سلبی ارائه می‌نماید و از آنجا که در هنر و زیباشناسی تمایل ادراکی مستتر است، آیا این ادعا که گسترش امکانات و ظرفیت‌های ادراکی مهم هستند و آثار هنری که زشت و زنده‌اند باید بنابر منافع کلی که دارند در دامنه آگاهی ما تحمل شوند، قابل دفاع خواهد بود؟ آیا گسترش آگاهی ذاتاً ارزشمند نیست؟ برای نمونه، نقاشی پیش‌پا افتاده یا بازی کودکان به دلیل مهارت و ظرافت‌شان تحسین برانگیز نیستند؟ آیا تصاویر وابسته به سکس ممکن نیست از نظر هنری قابل قبول شوند؟ به راستی، آیا می‌تواند این موارد را "ذوق بد" نامید؟

برلینت در ارزیابی اجتماعی متأثر از زیباشناسی به پرسش متمایزی دست می‌یابد. برلینت می‌پرسد:

هنگامی که عوامل اخلاق منفی از عوامل زیباشناسی ایجابی بیشتر هستند، چگونه باید درباب مشکلات عمده اجتماعی که به واسطه آثار هنری بزرگ تولید می‌شوند-مانند اهرام مصر که همراه با هزینه‌های هنگفت انسانی و یا کلیساهای جامع بزرگ قرون وسطایی که بر فقر و فداکاری نسل‌ها متکی بوده‌اند- قضاوت کرد؟ (Berleant, 2004:12)

بدیهی است که نمی‌توان پاسخ کلی به پرسش، آیا ارزش‌های زیباشناختی یا اخلاقی باید نسبت به هم اولویت داشته باشند، داد؟ با این حال، شناخت ارزش‌های زیباشناختی و دادن اهمیت قابل توجه به آنها در تصمیم‌گیری ضروری است.

با وجود این که ارزش‌های متناقض زیباشناسی و اخلاقی اغلب به واسطه تعارض بین منافع اقتصادی و عدالت اجتماعی پنهان می‌شوند و به نظر ارزش‌های آزادی و حقوق بشر در برابر نگرانی‌های سیاسی برای امنیت، نا سازگار هستند، برلینت تأکید دارد الزامات گزینش بین آنها اغلب نادرست بیان می‌شوند ارزش‌های اخلاقی و زیباشناختی همیشه در تضاد نیستند و در واقع می‌توانند یکدیگر را ارتقا دهند. در حوزه مدیریت منابع انسانی در محیط کار، ارزش‌های اخلاقی و اقتصادی در رضایت شغلی، ناکارآمدی و هدر رفت منابع و احساس وفاداری تأثیرگذار هستند و همچنین سیاست‌های بشردوستانه ممکن است زیباشناسانه و اخلاقی باشند.

به نظر می‌رسد مواردی که در آنان ارزش‌های زیباشناختی و اخلاقی هر دو منفی هستند، کمتر بحث‌برانگیز باشند و اگر قضاوت اخلاقی منفی نیروی بیشتری داشته باشد بعید است چالش‌های زیباشناسی سلبی مورد بحث قرار گیرند. برای نمونه افراد کمی مخالف ازین بردن زاغه‌ها و جایگزینی آنها با مسکن راحت، سالم و جذاب هستند. در اینجا زیباشناسی و اخلاقی جدایی‌ناپذیر عمل می‌نمایند. برخی مواقع نیز ارزش‌های زیباشناختی منفی هستند و دلایل قانع‌کننده‌ای برای رد و اعتراض اخلاقی شدید نسبت به آنان وجود ندارد. مثل تشرتهایی که با تصاویر نامناسب طراحی و تولید می‌گردند.

برلینت به‌طور پیوسته با تغییر صورت پرسش بر کیفیت پژوهش خود می‌افزاید. آیا زیباشناسی سلبی می‌تواند از نظر اخلاقی منفی نباشد؟ (Berleant, 2011:12).

برای نمونه، هنر بد شامل ارزش‌های منفی اخلاقی، مانند بسیاری از پورنوگرافی‌ها، با افزایش حضور آنان در جامعه، ممکن است به بازسازی جهان به جهانی عادلانه‌تر و انسانی‌تر کمک کند؟. بنابراین هنر ممکن است جزء برنامه اجتماعی یا سیاسی باشد و زیباشناسی سلبی از بعد اخلاقی عملکرد مثبتی بیابد؟^۱

هنگامی که اخلاق منفی و زیباشناسی سلبی هم‌زمان هستند، مسائل پیچیده‌تر می‌شوند. هنر تبلیغاتی نازی و شوروی ما را وادار می‌کند که در مورد رابطه زیباشناسی و اخلاقی، و پیچیدگی روابط آنها پرسش‌های بیشتری پرسیم. هنری که تجسمی از انتقادات اجتماعی است، با این ملاحظات، هنر منفی قلمداد نمی‌گردد. ممکن است هنر عملکردی اجتماعی و نقشی آشکار ساز در حوزه اخلاق منفی داشته باشد و هرچه افشاگری‌های آن محسوس‌تر باشد، از نظر زیباشناسی نیز مثبت‌تر شود.

تشخیص هنری که از نظر زیباشناسی، سلبی است و هنری که منفی‌نگری را نشان می‌دهد بسیار مهم است. در این حالت، هنر خود منفی نیست. می‌توان ادعا کرد هنری که اخلاق

۱ در واقع در این بخش برلینت بر کیفیت پژوهش خود با بیان پرسش‌هایی جسورانه در باب نسبت اخلاق و زیباشناسی سلبی می‌افزاید. می‌پرسد عادت‌دادن افراد به تجربه‌هایی که غیرقابل بیان هستند و یا بیان آنان کراهت دارد، آیا عملکردی اجتماعی مثبت در پی نخواهد داشت؟ فارغ از هرگونه ارزش زیباشناختی، آیا سبک‌هنری آزاددهنده (پورونورگرافی) ممکن نیست در گستره ظرفیت‌های فکری، جسمی و احساسی ما ارزشی داشته باشد؟ آیا ممکن است ظرفیت تجربه مخاطب را گسترش داده و آگاهی و درک او را افزایش دهد؟. و در نهایت جهانی عادلانه‌تر و انسانی‌تر بسازد؟

منفی را نشان می‌دهد یا به تصویر می‌کشد، زیباشناسی غالب زمان است. در اشکال مختلف، از اکسپرسیونیسم و دادا تا پاپ‌آرت^۱، همگی با انتقاد اجتماعی همراه هستند (Ibid). با حالتی نیز مواجه هستیم که از نظر زیباشناسی ایجابی است و مستقیماً اخلاق منفی را در برمی‌گیرد تا منفی بودن اجتماع را نشان دهد، یعنی وجود اخلاق منفی در مقیاس اجتماعی، مانند جنگ، ستم و استعمار. نقاشان دیواری در مکزیک، همانند دیگو ریورا^۲، این موارد را به طرز چشم‌گیری به نمایش می‌گذارند. آثار هنری از این دست، احساس اخلاق منفی را برمی‌انگیزد اما آن‌ها را به هنر منفی تبدیل نمی‌کند. منفی‌گرایی در اجتماع، مرتباً صداقت هنر را برای افشای آن می‌طلبد. با توجه به دلایل زیباشناختی، چنین هنری ممکن است با منفی‌گرایی به اوج خود برسد.

برلینت در پایان با ورود به خشونت اجتماعی، آن را خارج از حوزه هنر نمی‌داند. آثار هنری که وحشی‌گری و کشتارهای نظامی را به تصویر می‌کشند، سابقه طولانی دارند، از توصیفات دلهره‌آور ادبی در کتاب مقدس، تا ایلید^۳ گرفته تا برداشت تلخ رمان‌ها و فیلم‌های مربوط به جنگ مدرن. در عین حال، این مسئله کنایه‌آمیز که چگونه هنر برای دامن زدن به موتورهای جنگ ساخته شده است نیز قابل تأمل است. از راهپیمایی‌ها، سرودهای جنگی تا تجلیل از "پیروزی‌ها" در بناها، نقاشی‌ها، عکس‌ها، فیلم‌ها و اعیاد ملی. تصویری کلامی^۴ که ترسیم شد ممکن است جذاب نباشد اما دارای فضیلت اخلاقی راستین و فضیلت فکری در حقیقت است که با خود زمینه تحقیق را باز می‌کند که در آن چیزهای بیشتری لازم است گفته شود. چراکه تشخیص پیش شرط تحقق آن است. آماده بودن برای شناختن و شناسایی واضح فرم‌های منفی و حضور واقعی آن‌ها، پیش شرط تغییر مثبت است (Ibid).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برلینت با ارائه تأثیر متقابل ارزش‌های زیباشناختی و اخلاقی، به دنبال کشف روشی برای انتقاد زیباشناسانه به اهداف اجتماعی و سیاسی است. چراکه ارزش‌های منفی زیباشناختی

۱ Expressionism and Dada to Pop Art

۲ Diego Rivera

۳ اثر حماسی طبیعی که برخی مواقع آهنگ ایلین (Song of Ilion) نامیده می‌شود یک دیوان شعر حماسی و

کهن از یونان باستان است

۴ The verbal picture

می‌تواند انگیزه‌ای برای رد عملکردهایی باشند که اعتراضات جدی اخلاقی بر آنان مطرح است- همانند آلودگی زیست‌محیطی-. برای برلینت کاربرد متداول واژه "زیباشناسی"، صرفاً با "زیبایی" مترادف نیست و کاربرد آن نیز بسیار گسترده‌تر از حوزه هنری است و زیباشناسی را به حوزه مستقل دیگری که دارای ارزش اجتماعی و زیست محیط است سوق می‌دهد و آن را "زیباشناسی سلبی" می‌نامد.

برلینت با سخن گفتن در باب نکات منفی ارزش‌هایی محبوب، همچون آثار هنری و زیبایی به موضوع پژوهشی نوین دست می‌یابد. برای برلینت تجربه این ارزش‌های منفی از مستقیم‌ترین و قدرتمندترین موارد زندگی شخصی هستند. با این رهیافت نه تنها دامنه ارزش‌زیباشناختی گسترده و پیچیده می‌شود بلکه زیباشناسی معمول-ابژه هنری و طبیعت- که به "زیباشناسی ایجابی" شناخته می‌شود از دامنه تاریخی آن فراتر می‌رود. در نتیجه پژوهشگر را با پرسش‌های متمایزی مواجه می‌نماید.

دلیل موفقیت برلینت در چنین مواجهه‌ای متمایز با امر زیباشناسی متداول، مبتنی بر این امر است که برلینت زیباشناسی را صرفاً به ادراک حسی دیدن و شنیدن نسبت نمی‌دهد. بلکه زیباشناسی مشارکتی با تمام بدن با امر بیرونی مواجه می‌گردد. در نتیجه شناسایی محدوده ارزش‌زیباشناختی بین دو سوی طیف ایجابی و سلبی از دامنه ارزیابی برای او مهم قلمداد می‌گردد و برای در نظر گرفتن ارزش زیباشناختی، خود را به کیفیات ابژه متعهد نمی‌داند. ترجیح می‌دهد آن را نیرویی در هنر بداند که به بدن وارد می‌شود و به ادراک حسی بروز می‌یابد. با این مفروضات برلینت تحلیل زیباشناسی سلبی را با این پرسش آغاز می‌نماید. "چه چیزی باعث می‌شود تا ابژه‌ای یا رویدادی از نظر زیباشناسی سلبی باشد؟". همین پرسش برلینت را با پیچیدگی زیادی مواجه می‌نماید.

نقطه عزیمت برلینت در مواجهه با این پرسش از بررسی شناسایی وضعیتی در زیباشناسی است که عمدتاً بیش از مثبت بودن، منفی است. این کیفیات منفی شامل ادراک حسی است که کلی هستند و با مشترکات تاریخی، فرهنگی و مادی ایجاد می‌گردند و مبنای قضاوت کلی در اختیار ما قرار می‌دهد که همواره با پاداش مثبت همراه نیست. برلینت حالات گوناگون زیباشناسی سلبی را مقوله‌بندی نمی‌نماید. بلکه تلاش دارد تا با آگاهی از این حالات به هویت مستقلی برای زیباشناسی سلبی دست یابد. چراکه برلینت تأکید دارد سنگ محک برای تشخیص زیباشناسی سلبی تجربه است نه مفاهیم. برای برلینت تعین و تمایز

فرم‌های گوناگون زیباشناسی سلبی مفید هست، اما گروه‌بندی شسته‌ورفته‌ای حالات منفی را اشتباه می‌داند. برلینت می‌گوید، هنگامی که تجربه زیباشناسی سلبی رخ دهد و ارزش ناشناخته آن گشوده شود و هنگامی که چنین مطالعه‌ای به خاطر خودش، نه صرفاً تقارن منطقی با زیباشناسی ایجابی صورت پذیرد، حوزه زیباشناسی سلبی به ما معرفی می‌گردد. در این نظام فکری برلینت زیباشناسی سلبی را از نقدمنفی جدا می‌نماید و دامنه بسیار گسترده‌تری از نقدهنری برای آن می‌آفریند و یکی از انحاء آن را به ذوق بد نسبت می‌دهد که از زیباشناسی ایجابی تقلید می‌کند.

رهیافت زیباشناسی سلبی برلینت این امکان را فراهم می‌آورد تا آثار هنرمندانی که به‌عمد علیه محدوده اخلاقی فشار می‌آورند، بر مبنای معیارهایی همانند: منفی بودن اثر، نوع تجربه زیباشناختی (ایجابی است یا سلبی است)، به‌واسطه ویژگی‌های خاص خود اثر، با تأمل در باب ملاحظات فرهنگی و اخلاقی مفاد اثر و دیگر مواردی از این دست، بررسی و تحلیل شوند. در این مرحله، برلینت با تمرکز بر آثار هنری که به نظر هیچ ارزش زیباشناختی مثبتی ندارند و فراتر از توهین آمیز بودن در نسبت با ملاحظات فرهنگی و اخلاقی قرار دارند، امکان مواجهه‌ای متمایز و نوین با آنان برای ما فراهم می‌آورد. این رهیافت، ضمن ایجاد آگاهی اجتماعی به پیامد آلودگی‌های زیست‌محیطی و آلودگی‌های مکانی، شناسایی موقعیت‌هایی را که در آن بُعد اخلاقی که غالباً منفی تلقی می‌گردند و نمی‌توانند از زیباشناسی جدا شوند همانند فعالیت‌های کسب‌وکار و بخصوص در تبلیغات کالا پیش روی ما قرار می‌دهد.

برلینت در زیباشناسی سلبی، چگونگی منفی بودن ارزش‌های زیبایی و هنری را به‌عنوان پرسش مقابل ما قرار می‌دهد. از یک سو زیباشناسی سلبی با نفوذ در هنر و از سوی دیگر با حجم آلودگی‌های زیست‌محیطی خودنمایی می‌نماید که برخی اوقات زمینه‌های اخلاقی مبنای مناسبی برای قضاوت درباره هنر خواهند بود. موقعیت‌هایی که ارزش زیباشناختی و اخلاقی هر دو مثبت هستند، موقعیت‌هایی که هر دو منفی هستند و موقعیت‌هایی که یکی منفی و دیگری مثبت است. و البته ممکن است مثبت و منفی یکپارچه نبوده و با شدت‌های مختلفی رخ دهند. هر چند بنیان‌های اخلاقی این ادعا که مواجهه زیباشناختی با آثار هنری زشت و زننده منجر به گسترش امکانات و ظرفیت‌های ادراکی شده و دامنه آگاهی ما را توسعه داده و منافع کلی برای جامعه در پی خواهد داشت، همچنان محل تأمل باقی می‌مانند.

این پرسش که آیا گسترش آگاهی ذاتاً ارزشمند نیست؟ برلینت را به حوزه ارزیابی اجتماعی متأثر از زیباشناسی می‌کشاند. برلینت می‌پرسد، هنگامی که عوامل اخلاق منفی از عوامل زیباشناسی ایجابی بیشتر هستند، چگونه باید در باب مشکلات عمده اجتماعی که به واسطه آثار هنری بزرگ تولید می‌شوند قضاوت کرد؟ برای بررسی این پرسش‌ها شناخت ارزش‌های زیباشناختی و دادن اهمیت قابل توجه به آن‌ها در تصمیم‌گیری ضروری است. البته برای برلینت ارزش‌های اخلاقی و زیباشناختی همیشه در تضاد نیستند و در واقع می‌توانند یکدیگر را ارتقا دهند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohammad hasan Emami
Amir Nasri



<https://orcid.org/0009-0003-5156-3049>



<https://orcid.org/0000-0003-0680-6171>

فهرست منابع

- Berleant, A. (1992). *The Aesthetics of the Environment*. Philadelphia: Temple University Press.
- Berleant, Arnold. (1992). *The Aesthetics of nature” A Companion to Aesthetics*, ed. D. Cooper, Oxford: Basil Blackwell.
- Brady, Emily. (2003). *Environmental Aesthetics*. Encyclopedia of Environmental Ethics and Philosophy Macmillan Reference USA
- Berleant, Arnold. (2004). *The Aesthetic of Art and Nature*. Oxford: Oxford university press.
- Berleant, A. (2004). *The Historicity of Aesthetics*, in *Re-thinking Aesthetics*. Aldershot: Ashgate
- Berleant, A. (2005). *Aesthetics and Environment – Variations on a Theme*. Aldershot and Burlington: Ashgate Publishing Company.
- Berleant, A. (2013). *The Aesthetic Politics of Environment*. In: YELAND, GEOJIANPING,., belgrad Serbia.

Berleant, A. (2016). *The Case for Social Aesthetics*. Given as Keynote Lecture at the Seminar of Social Aesthetics. Conference: Seminar of Social Aesthetics: Perspectives on Art and Engagement At: Sao Paulo, Brazil.

منابع جهت آشنایی

آیت الهی، حبیب اله، فریناز فربود. (۱۳۸۵). «نقد زیبایی شناسیانه آثار کریستو» فصلنامه هنر، شماره ۶۸.

امامی، محمدحسن. (۱۴۰۲). *فلسفه محیط زیست*. تهران: کوهسار.
بودیار ژان. (۱۳۸۹). *جامعه مصرفی، پیروز ایزدی*، تهران: نشر ثالث.
پارسونز، گلن. *زیبایی شناسی و طبیعت، زهرا قیاسی*، (۱۳۸۹). تهران، انتشارات رشد آموزش.
جمادی سیاوش. (۱۳۹۵). *پدیدارشناسی هوسرل*. تهران: ققنوس.
جهانگیری، محسن. (۱۳۸۸). *اخلاق، ویراستار اسماعیل سعادت*، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

دابسون، اندرو. (۱۳۷۷). *فلسفه و اندیشه سیاسی سبزها، محسن ثلاثی*، تهران: نشر آگه.
سینگر پیترو. (۱۳۸۸)، *یک جهان، محمد آزاده*، تهران: نشر نی.
فریده، آفرین، میرخاتمی، مرجان. (۱۳۹۸). *تحلیل مولفه ها و مسائل «زیبایی شناسی زیست محیطی» در آثار کریستو و کلود*. دوره ۲، شماره ۴ - ۱۰ -
کانت، ایمانوئل. (۱۳۹۷). *عبدالکریم رشیدیان*، تهران. نشر نی. بخش ۲۲ - ۲۶ - ۲۸ - ۲۹.
گیدنز، آنتونی. (۲۰۱۱). *سیاست های مقابله با تغییرات آب و هوا، صادق صالحی*، تهران: نشر آگه.

نصر، سید حسین. (۱۳۸۵). *دین و نظم طبیعت، انشالله رحمتی*، تهران: نشر نی.
هایدگر، مارتین. (۱۳۷۷). *فلسفه تکنولوژی، شاپور اعتماد*، تهران: نشر مرکز.

Berleant, Arnold, ed. (2002). *Environment and the Arts: Perspectives on Environmental Aesthetics*. Aldershot, UK, and Burlington

Berleant, Arnold. (1992). *the Aesthetics of Environment*. Philadelphia: Temple University Press.

Berleant, A. (2016). *Aesthetic Engagement in Video Dance*. Presentation during Engagement: Symposium of Philosophy and Dance

"Green Arts Web - Reference". greenarts.org.

Berleant, A. (2010). *Sensibility and Sense: The Aesthetic Transformation of the Human World*, Exeter, UK: Imprint Academic.

- Berleant, A. (2011). *Aesthetic Pathways*, Vol. 1, No. 2 (June 2011)
<https://www.healing-power-of-art.org/nature-and-environmental-resources-for-artists/>
- Afrin, Farideh, Mirkhatami, Marjan. (2018). *Analysis of the components and issues of "environmental aesthetics" in the works of Christo and Claude*, Vol 2, No4.- 10. [In Persian]
- Ayatollahi, Habibullah, Farinaz, Farbod. (2006). "Aesthetic criticism of Christo's works" *Art Quarterly*, No. 68. [In Persian]
- Baudrillard Zhan, (2007), *Consumer Society*, Pirouz Izadi, Tehran: Sales Publications. [In Persian]
- Dobson, Andrew. (1999). *Philosophy and Political Thought of the Greens*, Mohsen Salasi, Tehran: Agah Publications. [In Persian]
- Emami, Mohammad Hassan. (2023). *Environmental philosophy*. Tehran: Kouhsar. [In Persian]
- Giddens, Anthony. (2011). *policies to deal with climate change*, Sadegh Salehi, Tehran: Agah Publishing. [In Persian]
- Heidegger, Martin. (1998). *Philosophy of Technology*, Shapour Etemad, Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
- Jamadi, Siavash. (2016). *Husserl's phenomenology*. Tehran: Qoqnous. [In Persian]
- Jahangiri, Mohsen. (2008). *Ethics*, Editor Ismail Saadat, Tehran: Academic Publishing Center, third edition. [In Persian]
- Kant, Immanuel. (2017). Abdul Karim Rashidian, Tehran: Ney. Section 22-26-28 and 29. [In Persian]
- Nasr, Seyyed Hosein. (1996). *Religion and order of nature*, Enshallah Rahmati, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Parsons, Glenn. (2010). *Aesthetics and Nature*, translated by: Zahra Qiyazi, Tehran: Roshd Amouzes Publications. [In Persian]
- Singer, Peter, (2004). *One World*, Mohammad Azadeh, 2018, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]

استناد به این مقاله: امامی، محمد حسن و نصری، امیر. (۱۴۰۲). زیباشناسی سلبی از منظر آرنولد برلینت، حکمت و فلسفه، ۱۹ (۷۵)، ۲۱-۴۲.

DIO: 10.22054/wph.2023.70974.2125



Hekmat va Falsafeh is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.